



# انترناسیونال

## ۲۸۳

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۵ بهمن ۱۳۸۷، ۱۳ فوریه ۲۰۰۹

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

**روز جهانی زن را به روز اعتراض  
بین المللی علیه رژیم آپارتاید جنسی  
در ایران تبدیل کنیم!**

صفحه ۷

**زنده باد ۸ مارس  
روز جهانی زن**

**“ نه به آپارتاید جنسی ”  
“ نه به رژیم آپارتاید جنسی ”**

“علیه تبعیض” سازمان دفاع از حقوق زن

**صدای مردم در کانال جدید**

مردم بازهم انقلاب میخواهند  
برنامه ای از کیوان جاوید  
نقش کارگران نفت در انقلاب  
برنامه ای از اصغر کریمی  
در سی سالی که گذشت  
برنامه ای از اصغر کریمی

صفحه ۵

**اینترنت  
زیر چکمه  
گانگسترهای اسلامی**

در حاشیه رویدادها  
فرشاد حسینی

صفحه ۸

**یک دنیای بهتر**

برنامه حزب را بخوانید  
و در سطح وسیع توزیع کنید

انترناسیونال ضمیمه ۲۸۳  
در باره انقلاب ۵۷ بزودی منتشر خواهد شد

## انقلاب ۵۷ و جنبشهای اجتماعی مصاحبه ناصر اصغری با حمید تقوایی در مورد انقلاب ۵۷



حمید تقوایی

**ناصر اصغری:** حمید تقوایی، چند روز دیگر ما میرسیم به سی امین سالگرد بهمن ۵۷. رژیم جمهوری اسلامی برنامه های دهه فجرش را راه انداخته و از آنطرف هم خیلی از نیروهایی که در اپوزیسیون هستند چه آنهایی که امروز به این نتیجه رسیده اند و چه نیروهایی مثل سلطنت طلبها و شاه پرستها که از انقلاب اردنگی خورده اند و رفته اند بیرون حکومت، همگی الان انقلاب ۵۷ را دهه زجر میدانند و یا در هر حال آنرا یک تحول منفی و نامیوم میدانند. میخواستم نظر شما را بدانم بفرمایید.

**حمید تقوایی:** در مورد انقلاب ۵۷ اساسا دو برخورد و تبیین ارتجاعی وجود دارد که هیچکدام ربطی به واقعیت ندارد. یکی موضع جمهوری اسلامی است که انقلاب را اسلامی و خود را حاصل پیروزی آن انقلاب میدانند و معتقد است سه دهه سرکوب و فقر و بیحقوقی که بجامعه تحمیل کرده از ثمرات انقلاب بوده است و این "دستاوردها" را در دهه فجر جشن میگیرد! از سوی دیگر نیروهایی که انقلاب در برابر آنها شکل گرفت و سرنگونشان کرد یعنی نیروهای سلطنت طلب هستند که آنها هم انقلاب را اسلامی میدانند اما چون انقلاب آنها را از قدرت ساقط کرده طبعاً مخالف انقلاب هستند، و سالگرد انقلاب را دهه زجر مینامند. اینها هم جنایات و فجایعی که جمهوری اسلامی بیار آورده را پیاپی انقلاب و پیروزی انقلاب مینویسند اما از اینجا به این نتیجه میرسند که مردم اشتباه کردند که انقلاب کردند و میباید همان گورستان آریامهری را تحمل میکردند و دم بر نمیآوردند!

هر دوی اینها نیروهای ارتجاعی هستند که هیچکدام منافع مردم را

ببینید انقلاب ۵۷ با شعار اساسی "مرگ بر شاه" شکل گرفت، وقتی مردم میگفتند "مرگ بر شاه" منظورشان "زنده باد آزادی" بود. مردم بخاطر اختناق و بخاطر فقر و بخاطر بی حقوقی که

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **انقلاب ۵۷ و جنبشهای...**

حکومت سلطنتی در ایران بوجود آورده بود علیه نظام سلطنتی مبارزه میکردند. بنابراین منظور مردم از "مرگ بر شاه" مرگ بر تبعیض و بیحقوقی و اختناق بود. در واقع میگفتند ما فقر و تبعیض و ساواک نمیخواهیم و آزادی و برابری میخواهیم. تا آنجایی که به مردم مربوط میشد پیام انقلاب ۵۷ و کارگرانی که اعتصاب کردند و زنانی که در انقلاب شرکت کردند و دانشجویان و قشرهای مختلف جامعه همه و همه اینها در صفوف میلیونی بیخیاان آمدند بخاطر اینکه از اختناق و از فقر و از تبعیض ذله شده بودند و خواهان رهایی و آزادی بودند! انقلاب یک حرکت رو به پیش و یک حرکت کاملاً انسانی و حق طلبانه علیه اختناق و علیه آن وضعیتی بود که به آن میگفتند "گورستان آریامهری". وضعیتی که خفقان و تبعیض و فقر و بی حقوقیهای سیاسی و اجتماعی در جامعه بیداد میکرد. میشود گفت انقلاب یک عکس العمل طبیعی و کاملاً قابل انتظار توده مردم به چنین وضعیتی بود.

از یکطرف دیگر یک جنبش ملی-اسلامی هم علیه شاه وجود داشت که خمینی ارتجاعی ترین بخش آنرا تشکیل میداد. این جنبش هم مخالف شاه بود اما نه از موضع مردم و به آن دلایلی که اکثریت مردم علیه شاه بودند بلکه از یک موضع عقب مانده و شرقرزده. مشخصاً مخالفت خمینی با شاه از ۱۵ خرداد سال ۴۲ و اعتراض وی به اصلاحات ارضی و دادن حق رای به زنان شروع شد. خمینی این اصلاحات را منشا فساد میدانست و خواستار بازگشت به فرهنگ اسلامی و شرقرزده بود. این نوع انتقاد به رژیم شاه و فرهنگ غربی وجه مشترک کل نیروهای جنبش ملی اسلامی بود.

اتفاقی که در انقلاب ۵۷ رخ داد این بود که خمینی با پرچم "مرگ بر شاه" ارتجاعی و اسلامی خودش در راس حرکت انقلابی مردم قرار گرفت یا بهتر است بگویم قرار داده شد! بورژوازی و طبقه حاکمه ایران که خود را با خطر یک انقلاب زیرو رو کننده روبرو میدید و دولتهای غربی که نمیخواستند این انقلاب رنگ چپ و کارگری و ضد سرمایه داری بخود بگیرد راه حل را در این دیدند که زیر پر و بال خمینی و اپوزیسیون اسلامی

علیه شاه را بگیرند و آنرا به راس انقلاب مردم برانند. خمینی را به پاریس بردند و رادیو تلویزیونها و تمام رسانه های غربی میکروفتن و تریبون در اختیارش گذاشتند تا او را بعنوان رهبر انقلاب به مردم بفروشدند. دولتهای غربی تمام تلاش خود را بکار بردند تا حرکت و انقلاب ضد سلطنتی کارگران و توده مردم را تحریف کنند و هرچه بیشتر به کانال حرکت اسلامی و ارتجاعی علیه شاه بیانازند! و در این کار موفق شدند! لذا به این اعتبار تا آنجایی که هدف انقلاب سرنگونی رژیم شاه بود بهدش رسید و نظام سلطنتی سرنگون شد و شاه رفت اما آن تعبیری که مردم از شعار "مرگ بر شاه" داشتند یعنی "آزادی و برابری" هیچوقت متحقق نشد و جمهوری اسلامی فقر و بیحقوقی و اختناق و وحشیانه تر و شدیدتری را بر جامعه حاکم کرد. در حدی که امروز میبینیم که از یکطرف یک اقلیت مفتخور، آیت الله های میلیاردی و اعوان و انصارشان، بر جامعه حاکم اند و در طرف دیگر توده مردمی که زیر خطر فقر به سر میبرند و مردم محرومی که با فروختن کلیه زندگیشان را میگذرانند!

انقلاب ۵۷ نه تنها اسلامی نبود بلکه در مضمون و محتوای خودش یک انقلاب چپ و آزادیخواهانه بود که بوسیله خمینی و اپوزیسیون اسلامی شاه به شکست کشیده شد.

**ناصر اصفری: حمید تقوایی، شما به مسائل خیلی زیادی اشاره کردید و امیدوارم که حداقل بتوانیم به گوشه هایی از آن بپردازیم، شما میگویید که نیروهای اسلامی ضد انقلاب بودند و بهر حال مسلط شدند، خوب سؤالی که اینجا پیش میاید این هست که چرا اینجور شد؟ علتش چی بود که اسلامیها انقلاب را زدینند و مصادره کردند؟**

**حمید تقوایی:** اساسی ترین علتش این بود که متأسفانه هیچ نیروی چپی که شبیه حزب ما باشد در آن جامعه وجود نداشت. البته سازمانهای چپ کم نبودند، چریکهای فدایی بودند و سازمان پییکار بود که از سازمان مجاهدین انشعاب کرده بود و آنموقع خودش را چپ و مارکسیست میدانست و حزب توده هم تا حدی فعال بود و سازمانهای زیادی هم بودند که بخصوص در سال ۵۷ در دل

انقلاب شکل گرفتند اما هیچکدام اینها به آن نقد سوسیالیستی وضعیت جامعه و خط کمونیسم کارگری ربطی نداشتند بلکه همه اینها حداکثر جناح چپ همان جنبش ملی اسلامی بودند.

جنبش ملی-اسلامی از نظر فکری روی دوش کسانی مثل جلال آل احمد و دکتر شریعتی بنا شده بود که از زاویه شرق زدگی، از زاویه رجعت به فرهنگ خودمان و از زاویه اسلامی - که حالا خودشان میگفتند اسلام علوی در برابر اسلامی صفوی و از این خزعبلات - علیه شاه ایستاده بودند. اعتراض بخش چپ این جنبش از این فراتر نمیرفت که شاه سنگ زنجیری امپریالیسم است و صنایع مستقل و ملی (بورژوازی ملی) را رشد نمیدهد و جناح راست این جنبش یعنی خط خمینی هم، همانطور که گفتم، صریحاً با اصلاحات ارضی و دادن حق رای به زنان مخالف بود و در هر حال همه شان در این متفق القول بودند که شاه غریزه است و باید به فرهنگ و رسم و رسوم "خودمان"، یعنی در واقع فرهنگ روستائی و فئودالی، رجعت کنیم. منظورم اینست که ما با یک جنبش وسیع ملی اسلامی مواجه بودیم و نه فقط با جناح خمینی و چپ موجود آنزمان هم در همین جنبش قرار میگرفت. اساساً خمینی و اسلاميون طرفدار او تا قبل از سال ۵۷ نقش مهمی در اپوزیسیون نداشتند. مثلاً اگر در دهه ۵۰ به اپوزیسیون ایران نگاه میکردید نیروهایی مثل چریکها و حتی مجاهدین را میدیدید که آنموقع خودشان را خیلی هم چپ میدانستند و بقول خودشان یک تعبیر چپ از اسلام داشتند و اینها بودند که نیروهای اصلی ضد حکومت بودند. اما مساله این بود که این نیروها هیچ نقدی از جریان خمینی و ارتجاع اسلامی مخالف شاه نداشتند و حتی خودشان را متعلق به یک جبهه مشترك، متعلق به جبهه خلق در برابر امپریالیسم، میدانستند. این جنبش علیه شاه و علیه غرب بود

چون خودش شرق زدگی و عقبنمائی را نمایندگی میکرد، و از نظر اقتصادی هم حداکثر قصدش این بود که بورژوازی "ملی و مستقل" در ایران رشد کند و صنایع "خودکفا" داشته باشیم و از نظر فرهنگی هم کاملاً عقبمانده و فئودالی بودند و اساساً در مقابل فرهنگ امروزی ایستاده بودند و علیه مدرنیسم بودند.

در نتیجه وقتی که انقلاب شکل گرفت یک نیروی چپ و رادیکالی که با شاه از سر اینکه نماینده سرمایه داری است مخالف باشد و با کل استثمار و بردهگی سرمایه داری چه ملی و چه غیر ملی اش مخالف باشد و مانند حزب ما آزادی و برابری و رفاه و سوسیالیسم را نمایندگی کند، یک چنین حزبی غایب بود و طبعاً زمانی که در عرصه سیاسی چنین نیرویی وجود نداشته باشد مردم بدنبال نیروهای موجود در اپوزیسیون کشیده میشوند. بخصوص نیروئی که مانند خمینی لانسش اش میکنند و بر تارک جامعه قرارش میدهند. ضعف اساسی نیروهای چپ سنتی در این بود که نه تنها هیچ نقدی بر اپوزیسیون اسلامی شاه نداشتند بلکه آنرا انقلابی و بقول خودشان جزو جبهه خلق ارزیابی میکردند و بهمین دلیل عملاً اجازه دادند که دول غربی بتوانند ارتجاعی ترین نیروی سیاسی در ایران آن دوره یعنی خمینی و اسلاميون طرفدار او را بعنوان رهبری انقلاب به مردم بفروشدند و انقلاب را درهم بکوبند.

با این همه انقلاب با قیام بهمین تمام نشد بلکه ادامه پیدا کرد. در قالب مبارزات دانشجویی، مبارزات در کردستان، مبارزات در ترکمن صحرا، اعتصابات کارگری و مبارزات شوراهای کارگری که وسیع هم بودند و خیلی از کارخانه ها را دربر گرفته بود و حتی خیلی از شوراهای ادارات و دانشگاهها فعال بودند. دانشگاهها دست چپ بود، و جمهوری اسلامی در نهایت با سی خرداد شصت و دستگیریها و بازداشتها و محاکمات و اعدامهای وسیع در دوره بعد از سی خرداد بود که توانست انقلاب را درهم بکوبد. به این اعتبار جمهوری اسلامی را باید ادامه حکومت ازهارى و شریف امامی بحساب آورد. کاری که آنها نتوانستند انجام بدهند خمینی در سی خرداد شصت بفرجام رساند.

**ناصر اصفری: حمید تقوایی، من یکسری سؤال برای خودم اینجا آماده کرده بودم اما بحث شما سؤال را برد به یک جای دیگری! ما در ادبیات کمونیسم کارگری با سه جنبش مواجه هستیم یکی جنبش ملی اسلامی و دوم جنبش ناسیونالیسم پرو غرب و سوم هم جنبش کمونیسم کارگری که همین حزب پرچمدارشان هست. خوب چیزهایی که اینجا اشاره شد من دیگر واردش نمیشوم اما**

شما در همینجا به نقش جنبش ملی اسلامی در انقلاب ۵۷ اشاره کردید حالا سؤال من اینست که نیروهای چپ هم آنجا بودند و ما مثلاً با طیفی مثل شریعتمداری و طالقانی و خمینی و اینها روبرو بودیم که خود اینها هم با خوشان اختلافهایی داشتند اما اینها نیروهای ارتجاعی بودند و در اینجا مورد سؤال من نیستند ولی نیروهای دیگر هم همان چپ ها بودند که فکر نمیکنم شما به آنها هم نیروهای ضد انقلاب بگویید اما در عین حال آنها هم با این اسلامیهای ارتجاعی در یک جبهه بودند لذا حالا شما این نکته را چطور توضیح میدهید؟

**حمید تقوایی:** درست است، نیروهای چپ کاملاً از نیروهای ارتجاعی مثل خمینی و آخوندهای طرفدارش متمایز بودند. آنها نوعی فرمیسم و ضدیت با امپریالیسم را نمایندگی میکردند و نه آن نوع فئودالیسمی که خمینی خواهان آن بود اما تراژدی اینجاست که این نیروهای چپ نه تنها هیچ انتقادی به آن جناح خمینی نداشتند بلکه بعنوان بخشی از جنبش ضد شاهى، خمینی و دارو دسته اش را مترقی ارزیابی میکردند! مثل همان موضع سیاسی که امروز نیروهایی مانند (اس. دبلیو. پی) در دفاع از نیروهای حماس و حتی در دفاع از احمدی نژاد و در دفاع از حزب الله دارند (با این توجیه که اسلاميون نیروهایی ضد آمریکایی هستند!) دقیقاً از همین موضع چپهای سنتی در ایران از خمینی حمایت میکردند و یا حداکثر انتقادی به او نداشتند. هرنیروئی که ضد شاه بود آن چپ با آغوش باز قبولش میکرد و همانطور که اشاره کردم معتقد به یک جبهه خلق بود که از خمینی تا نهضت آزادی و جبهه ملی و مجاهدین و غیره در این جبهه قرار میگرفت. روشن است که نیروئی مثل فدائی ارتجاعی نبود و بر مبنای آرمان و عقیده خودش آزادی و برابری میخواست ولی فکر میکرد که در این آزادی و برابری خمینی و دارو دسته اش هم شریک است! نهضت آزادی و جبهه ملی هم شریک است! سرمایه دران مستقل و بورژوازی ملی هم شریک است! مساله نه توافق و دنباله روی چپ سنتی از خمینی بلکه نداشتن یک موضع انتقادی و افشاگرانه نسبت به خمینی و کل نیروهای اسلامی ضد شاه بود. و حتی بعد از اینکه خمینی بقدرت رسید، بعد از کشتارهای سی خرداد

## از صفحه ۲ انقلاب ۵۷ و جنبشهای ...

شصت و تابستان ۶۷، بعد از اینکه دیگر ارتجاج و توحش خمینی و دارو دسته اش بر توده عظیم مردم ایران معلوم شد بازهم دیدیم که بخشی از این نیروهای باصطلاح چپ، نیروهای مثل حزب توده و فدائیان اکثریت، طرفدار جمهوری اسلامی بودند و هنوز هم هستند! چرا اینطورست؟ چون اینها اساس به یک جنبش اجتماعی واحد، به جنبش ملی-اسلامی تعلق دارند.

ببینید کاری که انقلاب ۵۷ کرد این بود که جنبش ملی اسلامی را بقدرت رساند و سلطنت طلبان را به اپوزیسیون راند. در دوره شاه چیزی بنام جنبش ناسیونالیسم عظیمت طلب در اپوزیسیون نداشتیم چونکه حاکم بود و حکومت میکرد ولی بعد از انقلاب بود که این نیرو به اپوزیسیون رانده شد و یک جنبشی را شکل داد که امروز به آنها میگوییم جنبش ناسیونالیسم عظیمت طلب (جمهوری خواهان ملی و سلطنت طلبان و مشروطه طلبان مشروط و غیر مشروط و صریح و غیر صریح و تمامی تلویزیونهای لوس آنجلسی همه اینها جزو آن جنبش هستند).

به این ترتیب انقلاب جای دو ضد انقلاب را عوض کرد: سلطنت طلبان به اپوزیسیون رفتند و ملی اسلامیون به حکومت رسیدند. اما همه جناحهای جنبش ملی اسلامی به یکسان در قدرت سهم نداشتند. جناح راست یعنی خمینی و خط ولی فقیه قدرت را در دست خودش متمرکز کرد و بقیه نیروهای این جنبش- از حزب توده و اکثریت تا بقایای نهضت آزادی و جبهه ملی- را بتدریج به یک نوع اپوزیسیون قانونی و قابل تحمل، اپوزیسیون نوع دو خردادی، راند. این اپوزیسیون را ما اپوزیسیون پرو رژیم مینامیم چون با نظام جمهوری اسلامی مخالفتی ندارد بلکه حداکثر اعتراضش به انحصار گری جناح ولی فقیه محدود میشود. جمهوری اسلامی در واقع آرمان جنبش ملی اسلامی را متحقق کرده است: ضدیت با آمریکا، مخالفت با غریزگی، بازگشت به فرهنگ خودی، صنایع مستقل و غیره همه اینها تمام و کمال متحقق شده و به این معنی جنبش ملی اسلامی کاملاً پیروز شده است. این در پایه ای ترین سطح علت طرفداری کل نیروهای جنبش ملی اسلامی از چپ تا راست از نظام موجود است. اما در صحنه سیاسی در ایران

تنها دو جنبش سلطنت طلبان و ملی اسلامیون حضور ندارند. با انقلاب ۵۷ جنبش سومی پا به عرصه گذاشت و رشد کرد و قدرت گرفت که کمونیسم کارگری نامیده میشود و حزب ما بخش متشکل و حزبیست یافته این جنبش است. از همان سال ۵۷ حرکتی را که منصور حکمت با سازمان اتحاد مبارزان کمونیست شروع کرد در واقع یک پرچم دیگری را بلند کرد و از همانموقع اعلام کرد که خمینی ازتجاجی است. بعنوان مثال بخاطر دارم که در نوروز ۵۸ که خمینی فرمانی را علیه شوراها و خواستهای زنان و کارگران صادر کرد اتحاد مبارزان اعلام کرد که این خط سرکوب و بازپس گرفتن دستاورهای مردم است و آنرا عیندی سیزده ماده ای خمینی به کارترنماید. بعبارت دیگر جریانیه که امروز در قامت حزب کمونیست کارگری حضور قدرتمندی در صحنه سیاست ایران دارد از همان آغاز کار خود اعلام کرد که تا آنجا که به سرکوبگری و مقابله با خواستهای توده مردم مربوط است خمینی عملاً فرقی با آمریکا ندارد. در آن مقطع مساله این بود که حکومت خمینی که به سرعت پایگاه خود را در جامعه از دست میدید به سیاست ضد آمریکائی گری متوسل شده بود. در آبانماه ۵۸ بساط اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری نیروهای آمریکائی را براه انداختند و در این شرایط بود که منصور حکمت و اتحاد مبارزان کمونیست اعلام میکرد ضد آمریکائی گری معیار مترقی بودن و انقلابیگری نیست بلکه معیار اینست که یک دولت و یا نیروهای سیاسی چقدر مدافع کارگران و خواستهای برحق توده مردم باشد. تا همین امروز هم یک وجه تمایز حزب ما از میشود گفت کلیه نیروهای چپ دیگر مقابله با این نوع ضد آمریکائی گری است که با بالا گرفتن هر نوع خطر تهدید حمله نظامی آمریکا به ایران (و یا هر حمله اسرائیل به فلسطینیان) عود میکند و چپهای ملی-اسلامی را در ایران و در سطح جهانی مستقیم و یا غیرمستقیم در کنار حماس و حزب الله و جمهوری اسلامی قرار میدهد!

از نظر اجتماعی و طبقاتی باید گفت که حزب کمونیسم کارگری انعکاس حضور وسیع و فعال طبقه کارگر و شکل گیری جنبش شورائی

اعتصابات وسیع کارگری، در سالهای انقلاب، از ۵۶ تا سال ۶۰ بود. برنامه یک دنیای بهتر در واقع برنامه پیروزی انقلاب ۵۷ بود؛ اگر انقلاب پیروز میشد آن برنامه را میبایست پیاده میکرد. انقلاب را شکست دادند اما معنی پیروزی و پرچم پیروزی را خط کمونیسم کارگری در جامعه بلند کرد و این حزب و جنبش امروز در برابر جمهوری اسلامی و کل نیروهای سلطنت طلب و کل جنبش ملی اسلامی ایستاده است و منافع واقعی کارگران و توده های مردم را نمایندگی میکند.

**ناصر اصغری:** حمید تقوایی اصولاً به چه تحولی میگوید/انقلاب و چرا/انقلاب ضروری و مطلوب است؟ کسی که به به حرفهای شما گوش میکند ممکن است به این نتیجه برسد که معلوم نیست که توی آن جعبه/انقلاب چی هست و انقلاب همیشه نشان داده که خشونت می آورد و فلان و بهمان؟! چرا/انقلاب!؟

**حمید تقوایی:** ببینید من قبلاً هم به این اشاره کردم که انقلاب به اراده کسی بستگی ندارد. هر انقلابی بر پایه شرایط و زمینه های عینی و اجتماعی و اقتصادی معینی شکل میگیرد. سیاست و نیروها و احزاب سیاسی بر این زمینه عینی عمل میکنند، در کنار و یا در مقابل انقلاب قرار میگیرند و عملکرد آنها مسلماً در شکلبندی و سیر مشخص تحولات انقلابی و بخصوص شکست و یا پیروز هر انقلاب نقش تعیین کننده ای دارد اما نفس شکل گیری و رخ دادن انقلاب مستقل از راده احزاب است.

و امروز هم وجود دارد. هر جامعه ای را به این وضعیت بیاندازید بالاخره فوران و طغیان خواهد کرد، چون مردم میخواهند زندگی کنند و جامعه میخواهد باقی بماند. ضرورت انقلاب از ضرورت زندگی کردن ناشی میشود. مردم میخواهند یک زندگی انسانی داشته باشند، رفاه داشته باشند، آزاد و برابر باشند، و زمانی که شما اینها را از مردم دریغ میکنید و هر اعتراض و مخالفتی را با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ میدهید، خواه نا خواه جامعه را به سمت انقلاب سوق میدهید. انقلاب یک انتخاب نیست یک ضرورت است.

اما اینکه انقلاب دقیقاً کی و به چه شکلی اتفاق میافتد، چه مشخصاتی دارد، حول چه شعارهایی شکل میگیرد، و پیروز میشود یا شکست میخورد و غیره همه اینها مسائل بازی است و اینجا دیگر نقش نیروهای سیاسی، نقش جنبشها و احزاب و شخصیتها تعیین کننده است.

نکنه دیگری که لازم است تاکید کنم اینستکه بنابر تعریف، مسئله اساسی هر انقلاب قدرت سیاسی است. مردم برای گرفتن خواستهای ویژه ای مثل اضافه دستمزد و این یا آن مطالبه صنفی انقلاب نمیکنند و یا اگر این مطالبات را داشته باشند به این نتیجه میرسند که تا وقتی که حکومت بر سر کار باشد این مطالبات برآورده نخواهند شد و بهمین خاطر انقلاب شکل میگیرد.

اما تا آنجا که به نیروهای سیاسی مربوط میشود سوال اینجاست که آیا شما انقلاب را حقانی میدانید و باستقبال میروید و یا اینکه در مقابلش میایستید؟ و اینهم بستگی به این دارد که شما چه اهداف و سیاستهایی را نمایندگی میکنید. حزب ما حزبی هست که افق انقلاب را در مقابل جامعه میگذارد و میگوید که انقلاب مطلوب است و ضروری است و انقلاب راه آزادی است و در جامعه ایران بطور عملی و واقعی برای رسیدن به آزادی و برابری راه دیگری وجود ندارد. حزب ما به استقبال انقلاب میرود و زمینه و شرایطی را فراهم میکند که وقتی دیر یا زود انقلاب شکل گرفت کارگران و توده عظیم مردم آماده شده باشند، سازماندهی شده باشند و حزب خودشان را انتخاب کرده باشند برای اینکه آن انقلاب بتواند به پیروزی برسد. از یکطرف هم نیروهایی

هستند که گرچه خودشان را جزء نیروهای اپوزیسیون میدانند اما با انقلاب مخالفند. معتقدند انقلابی در کار نیست و یا اگر رخ بدهد خشونت است و غیر مدنی است و حاصلی ندارد و غیره. این نیروها با انقلاب مخالفند چون منافعشان ایجاب میکند که انقلابی رخ ندهد. منافعشان ایجاب میکند که مردم علیه این سیستم بلند نشوند. خواست اینها حد اکثر تغییراتی در دل همین نظام و رسیدن تدریجی به نوعی جمهوری اسلامی دیگر و یا سلطنت دیگر است.

این نیروها به این دلیل با انقلاب مخالفند که سیاستها و اهدافشان متناقض با سیاستها و اهداف توده مردم است و مسئله از اینجا نشات میگیرد.

نکنه دیگری که اینجا لازمست توضیح بدهم معنی دو گانه انقلاب، یکی بمعنی هدف و مضمون انقلابی و دیگری شیوه انقلابی تغییر یک حکومت است. در جهان واقعی تقریباً همیشه برای پیاده کردن اهداف و سیاستهای انقلابی باید علیه نظم موجود انقلاب کرد اما از لحاظ تحلیلی و نظری اهداف انقلابی و شیوه انقلابی لزوماً وابسته به یکدیگر نیستند. ممکن است در صورت وجود شرایط واقعا آزاد برای فعالیتهای سیاسی و انتخاباتی، یک نیرویی با پارلمان بقدرت برسد ولی از نظر اهداف و سیاستها کاملاً انقلابی باشد یعنی بخواهد استثمار و تبعیض طبقاتی را بر بیاندازد و آزادی و برابری را متحقق کند.

فرض کنید اگر در جامعه ای آزادی سیاسی وجود داشته باشد و حزبی مثل حزب ما بتواند که حتی برای مدت ۶ ماه آزادانه فعالیت انتخاباتی کند مطمئن باشید مردم ما را انتخاب خواهند کرد (غیر قانونی اعلام کردن و سرکوب احزاب کمونیست انقلابی دقیقاً به همین دلیل است). به هر حال از لحاظ نظری بقدرت رسیدن یک حزب انقلابی از طریق انتخابات منتفی نیست. اما البته عملاً حتی در آزاد ترین دموکراسی های غربی چنین امری تقریباً ناممکن است. با اولین حرکت یک حزب پارلمانی علیه بنیادهای استثمار و سود آوری سرمایه پارلمانها را میندند و برای اعاده نظم و امنیت حکومتهای شبه نظامی را روی کار میآورند. با این همه این تفکیک نظری بین اهداف و سیاستها با شیوه های انقلابی مهم صفحه ۴

## از صفحه ۳ انقلاب ۵۷ و جنبشهای ...

است به این خاطر که در ارزیابی جنبشهای "رادیکال" و "میلیتانت" مضمون اهداف و سیاستهای آنانرا ملاک قرار بدیم و نه شیوه فعالیت آنها را. این کاملاً ممکن است که احزاب و جنبشهایی وجود داشته باشند که بخواهند به شیوه های رادیکال وضع موجود را عوض کنند اما اهداف و سیاستهایشان کاملاً ارتجاعی باشد.

برابری و یک جامعه مرفه و انسانی است. راه دیگر وجود ندارد. بنظر من انقلاب حتی مسالمت آمیز ترین راه تغییر حکومت است. هرچه انقلاب وسیع تر باشد و توده مردم بیشتری در تحولات سیاسی دخیل باشند و وسیعتر به خیابان بریزند و هرچه قدرت جمعیت بیشتر و متشکل تر باشد آنوقت امکان برخورد خشونت آمیز و سرکوبگری و خون پاشیدن به انقلاب از جانب جمهوری اسلامی کمتر و کمتر میشود. بهمین خاطر ما فکر میکنیم که انقلاب انسانی ترین و مسالمت آمیزترین راه است و برعکس هر نوع کودتا و هر نوع "رژیم چنج" از بالا جنگ داخلی بین جناحهای حکومت را دامن خواهد زد و مردم را قربانی خواهد کرد و یک سناریوی سیاهی مثل شرایط عراق بوجود خواهد آورد.

**ناصر اصغری:** حمید تقوایی، تعبیر و تفسیری که شما از انقلاب دادید بنظر من هم جالب بود و هم تازه، اینرا به این دلیل گفتم که بسیاری از نیروهایی که قبلاً در این انقلاب شرکت کرده بودند و حتی بخشی از کسانی که از حزب ما جدا شده اند معتقدند که اساساً نسیبایست انقلاب میشد. نظرتان در این مورد چیست؟

**حمید تقوایی:** ببینید ارزیابی انقلاب ۵۷ بستگی به این دارد که موضوع امروز شما چیست؟ اگر در افق شما انقلابی هست و فکر میکنید که جامعه ایران باید با انقلاب آزاد شود آنوقت طبیعاً جوهر انسانی و آزادیبخش انقلاب ۵۷ برسمیت میشناسید و اجازه نمیدهید آنرا اسلامی و یا یک اشتباه و خطای تاریخی و خشونت و غیره بنامند.

ما از آن انقلاب اعاده حیثیت میکنیم و بر مضمون و جوهر انسانی و آزادیبخش آن تاکید میکنیم چون میخواهیم به استقبال انقلاب آتی برویم. کسی که سیاستش انقلاب نیست و نوع سیاستش دوم خردادی و یاس گرای و انحلال طلبی یا امروز پرچم "انقلاب نمیشود" غیره و غیره را میخواهد بلند کند طبیعاً باید برگردد و به مردم بگوید که آن انقلاب اسلامی بود و یا نسیبایست انقلاب میشد و یا ربطی به کارگران نداشت و غیره. و همه اینها را دارند میگویند.

انقلاب ۵۷ کارگری نبود یا خلقی بود یا اسلامی بود و یا اصلاً انقلابی در کار نبود و مردم اشتباه کردند! میگویند مردم اشتباه کردند که آمدند به خیابان برای اینکه بگویند که دیگر انقلاب نکنید و بخوابان نیایید. هرکسی گذشته را از دید آینده خودش و از زاویه سیاستها و منافعی که امروز دارد تعبیر و تفسیر میکند. امروز حزب ما پرچم انقلاب را بلند کرده است، از حیثیت انقلاب ۵۷ و از قدرت مردم در انقلاب ۵۷ و از محق بودن مردم در انقلاب ۵۷ دفاع میکند و آن انقلاب را در مضمون خودش یک انقلاب چپ و آزادیخواهانه و برابری طلبانه میدانند. این موضع گیری برای ما به این معناست که باید آن جامعه یکبار دیگر بلند شود و انقلاب کند.

نکنه دیگر اینکه شکست یک انقلاب به این معنی نیست که انقلاب از صفحه تاریخ پاک میشود به نحوی که گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است! بعد از هر انقلاب حتی اگر شکست بخورد جامعه به جای اولش بر نمیگردد. انقلاب ۵۷ علیرغم تمام توحش و جنایاتی که جمهوری اسلامی اعمال کرد تأثیرات عمیقی بر شرایط سیاسی در ایران داشت. جمهوری اسلامی علیرغم تمامی کشتارهایش هیچوقت نتوانست گورستان آریامهری را احیا کند. من بخاطر دارم که در زمان شاه مردم از سایه خودشان میترسیدند و حتی در مهمانیهای خصوصی هم نمیتوانستند بگویند که بالای چشم اعلیحضرت ابروست! میترسیدند که یک ساواکی در بینشان باشد! اما در جمهوری اسلامی از همان ابتدا نه تنها در مراسم های خصوصی بلکه در وبلاگها و در اینترنت و در تاکسی و در مجامع میبینیم که مردم دارند همه اینها را جوک میکنند و به ریش این حکومتیان میخندند! این شکستن تابوی بالایها که گویا همه جا را تحت کنترل دارند و مردم باید تابع و مطیع باشند و این ترس که میریزند و میکشند و ساواک هست و ساواما هست و غیره همه اینها در دستاوردهای انقلاب ۵۷ بود.

امروز توده مردم بخصوص نسل جوان خیلی رادیکالتر و روشنتر و مسلط تر به اوضاع سیاسی هستند تا دوره اختناق آریامهری. نقد و اعتراضی که مردم نسبت به مذهب دارند، نقدی که نسبت به تبعیض علیه زنان دارند و دیدی که نسبت به یک زندگی مدرن دارند و توقعی که از

یک زندگی انسانی دارند بسیار پیشرو تر و آگاهانه تر از تلقیات توده مردم در زمان شاه است. کلاً یک فضای فکری چپ و رادیکال در اعتراض به وضع موجود وجود دارد که در پایه ای ترین سطح باید آنرا یک دستاورد انقلاب ۵۷ بحساب آورد. جامعه ایران با انقلاب ۵۷ با نقد و اعتراض شرق زده و ملی مذهبی یک تسویه حساب تاریخی و اجتماعی کرد.

انقلاب که روی دیگر سکه همین تسویه حساب تاریخی است پا به میدان گذاشتن جنبش و حزب کمونیست کارگری بود. انقلاب را فروکوتند اما طبقه کارگر که نقش اساسی در انقلاب ایفا کرده بود به مرکز سیاست رانده شد، متحزب شد و پرچم سوسیالیسم را بالا برد و چنان شد که در دل اعتراضات اعلام کردند "سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض" و "سوسیالیسم یا بربریت" و در تجمعات سرود انترناسیونال خواندند و شعار آزادی برابری همه جا را گرفت.

این جو اعتراضی چپ در جامعه ایران بخصوص از این نظر حائز اهمیت است که بعد از انقلاب ۵۷ مهمترین اتفاقی که در جهان رخ داد فروپاشی بلوک شوروی بود و یکه تازی سرمایه داری افسار گسیخته نظم نوینی. در این دوره هر نوع اعتراض در جوامع اروپای شرقی و بازمانده از بلوک شوروی در قالب دموکراسی غربی و با پرچم دموکراسی نوع بوش و مدل سرمایه داری بازار آزاد صورت میگرفت. بقول منصور حکمت مردم آزادی میخواستند و پارلمان تحویل میگرفتند. نان و رفاه میخواستند و اقتصاد بازار آزاد تحویلشان داده میشد. اما این سیر قهقرائی در جامعه ایران تأثیر چندانی نداشت چرا که انقلاب ۵۷ جامعه ایران را در مقابل آن خطر رفتن زیر دموکراسی غربی و سیاستهای نظم نوینی واکسینه کرده بود. جامعه ایران هیچوقت حب دموکراسی غربی و سرمایه داری بازار آزاد را قورت نداد چون مردم نمونه این نوع دموکراسی و سرمایه داری را در حکومت شاه دیده بودند و علیه آن انقلاب کرده بودند. جامعه ایران با الگوهای انقلاب ۵۷ تسویه حساب کرده بود. منظور این نیست که روشنفکرانی کتاب نوشته بودند و یا مردم با مطالعه و آگاهی به این نتیجه رسیده بودند. جامعه ایران اجتماعاً و در

تجربه تاریخی انقلاب ۵۷ از این نوع آلترناتیوها عبور کرده بود.

در انقلاب ۵۷ شوراهایی بوجود آمدند که آزادی را یک جور دیگری برای مردم تعریف کرد، و بدین معنی مردم وقتی امروز از آزادی و برابری صحبت میکنند منظورشان بسیار فراتر و اساساً متفاوت و متمایز از آن تعبیر پست مدرنیستی ای است که در دنیای پس از جنگ سرد در دنیا مد شد. همین را میتوان در مورد برخورد مردم به مذهب، به مجازات اعدام، به بیحقوقی زن، و به تعصبات اخلاقی و ملی و قوم پرستانه نیز بیان کرد. به نظر من مردم ایران بویژه جوانان در صف اول جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی و مدرنیستی در سطح دنیا قرار دارند. اینها همه به نظر من از دستاوردهای غیر قابل پس گرفتن انقلاب ۵۷ است.

**ناصر اصغری:** حمید تقوایی، میدانیم که واقعا در باره انقلاب ۵۷ بحث خیلی زیاد هست، من هم مثل بسیاری از بینندگان مان سنم اجازه نمیدهد که سالهای ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ را که پیش زمینه انقلاب ۵۷ بود بیاد بیاورم و اعتراضات آموغع را خوب ارزیابی کنم لذا این سوال را از شما دارم که جامعه ایران با دوره انقلاب ۵۷ چه فرقی دارد و آیا انقلابی در حال شکل گیری هست؟ ما ۴ دقیقه بیشتر وقت نداریم، بفرمایید.

**حمید تقوایی:** بله در این تردیدی نیست که انقلابی در حال شکل گیری هست. دلایلش را بالاتر توضیح دادم و دیگر تکرار نمیکنم.

و اما در مورد نکته بعدی که گفتید که جامعه امروز چه فرقی با دوره انقلاب ۵۷ دارد. من اگر بخواهم بر یک نکته تاکید کنم به وجود حزب کمونیست کارگری اشاره میکنم. در انقلابی که دارد شکل میگیرد انسانیت و آزادی و برابری و خواست توده مردم از طریق حزب ما نمایندگی میشود. طبقه کارگر و نقد سوسیالیستی و انسانی به وضعیت موجود حزب خود را دارد و این حزب نه در حاشیه بلکه بعنوان یک نیروی اصلی اپوزیسیون در متن وضعیت سیاسی قرار گرفته و مدتهاست حضور خود را اعلام کرده است.

این حزب هر روز با همین تلویزیون با میلیونها انسان ارتباط برقرار میکند، توده مردم به حزنشان مستقیماً دسترسی دارند، اهداف و

## صدای مردم در کانال جدید

### مردم باز هم انقلاب می‌خواهند

#### برنامه ای از کیوان جاوید

سلام آقای کیوان. من فکر میکنم که شرایط ایران در حال حاضر یک شرایط پیش انقلابی هست و محیط برای ما بعنوان حزب کمونیست کارگری آماده است تا فعالیتهای خودمان رو به نحو احسن بصورت سازمانی گسترش بدیم و من این مسئله را در برنامه زنده آقای اصغر کریمی مطرح کردم بعنوان حضور فیزیکی و بازهم مطرح میکنم. بگذارید اینجوری مطرح بکنم که من یک کادر حزب کمونیست کارگری که با تعلیمات مارکسیستی هم آشنا هستیم، با مارکسیسم هم همینطور، امکانات زیادی را در جامعه ایران میبینم که در آن میشود خیلی خوب فعالیت کرد، در جوانان غل غل میزنه و در زنان غل غل میزنه، من بعنوان یک نفر کادر حزب کمونیست کارگری بکمک احتیاج دارم و از حزب کمونیست کارگری میخوام که بیاد کمک و جمع بکنه اینهمه اشخاصی که متمایل هستند به حزب کمونیست کارگری، در واقع میبینم که کسان زیادی هستند که طرفدار هستند و من بتنهایی نمیتوانم متشکل کنم. اینها سمپات هستند و کادر نیستند و ما به کادر تربیت شده احتیاج داریم که بیایند و شروع کنند به فعالیت کردن. من چون میخوام خیلی کوتاه صحبت کنم، امشب که شب انقلاب بهمون هستش میخوام از قول منصور حکمت بگم که در کنگره سوم این رو مطرح کرد که "حکومت مرتجع اقلیت عقب مانده را اگر با یک نفر هم بشود سرنگون کرد باید انداخت". من نمیخوام سکتاریست بازی دربارم، من نمیخوام خیلی قهرمان بازی در بیارم ولی میخوام بشما این مطلب رو برسونم که ما باید تشکیلات سازمانی مونو حالا بصورت علنی یا هرجوری که مناسبه در جامعه ایران مطرح بکنیم و در تمام شهرها مردم رو بسیج بکنیم برای برانداختن این حکومت مرتجع اقلیت. منتظرم که دست بدست هم تاریخ رو بصورت واقعی دوباره تکرار بکنیم.

مردی از شیراز

سلام آقای کیوان جاوید. درود بر حزب کمونیست کارگری. زنده باد

ما هواره دارند. حزب کمونیست کارگری واقعا یک حزب مردمیه، حزبی هست که آزادی رو برای همه میخواد. نه پول برای خودش میخواد و نه زندگی و رفاه برای خودش میخواد بلکه همه رو برای ما دارد میگه. بعضی ها به خورده مخالفت میکنند ولی وقتی میبینند که حقیقت حرف میزنم میگن راست میگی. براشون میگم شما سی ساله که فریب اینها رو میخورین! میگم آخه بچه های شما ماشین دارن؟ آزادی دارن؟ اگر بچه های شما رفاه دارند چرا میرن معتاد میشن و چرا یک پسر نوزده ساله میره دزدی میکنه و توی زندان میخوابه! میگم حزب کمونیست کارگری برای کارگران بدبخت و بیچاره ای مثل ما کار میکنه که باید نون رو دونه ای پنجاه تومان بگیریم و تازه منت این و اون رو هم بکشیم. من مخالفت خودم رو در همه جا میگم. امروز هم توی بازار بودم و دیدم اینها همه رو جمع کردند که چی! که استانداری میخواد بیاد صحبت کنه! میخوام هرگز نیاد. من حرفهای همه شما رو گوش میکنم و از رفتار و کردار خانم دانشفر و آقای کریمی و شما و همه تون خیلی خوشم میاد که طرفدار بدبخت و بیچاره هایی مثل ما هستن. ما آرزو داریم که شما رو به روزی در ایران ببینیم و ایرانی آباد و آزاد داشته باشیم. امید اون روزی رو داریم که واقعا در ایران ببینیم. درود بر حزب کمونیست کارگری.

زنی از شمال ایران

الو سلام علیکم و درود بر شما و تلویزیوتونن آقا. انقلاب ۵۷ آخوندها برای ایران جز پنجاه برابر بیشتر کردن بدبختی و اعتیاد جوانان و فساد در خیابانها و دانشگاهها، بجز پنجاه برابر بیشتر کردن بیکاری و و خفقان که کوچکترین انتقادی نمیتوانیم بکنیم چیزی برای ما نیآورده و شما نیستید و نمیبینید که ایران الان یک خرابه است و پولهایی که بایستی برای مردم خرج کنن میبرن برای حزب الله فلسطین و حماس و غیره خرج میکنن و هر کاری که با آمریکا و اسرائیل و غیره میکنند برای منافع خودشون است. انشالله که بکمک شما بتونیم این رژیم رو از بین ببریم. درود بر شما و حزب کمونیست کارگری و مرگ بر هر چی آخوند و رژیم آخوندیه.

مردی از ایران

الو سلام کانال جدید؟ خسته نباشید. میخوامم در مورد انقلاب صحبت

کنم. بله مردم بازهم انقلاب میخوان چونکه مردم در انقلاب ۵۷ به خواسته هاشون نرسیدن که آزادی بیان و قلم بود و آزادی اندیشه بود و برچیدن فقر بود و مردم به هیچکدام نرسیدن و این آزادیها سرکوب شد و بخاطر این مردم دوباره انقلاب میخوان ولی چرا هنوز بلند نمیشن؟ چونکه مطمئن نیستن که بتونن دوباره پا جلو بذارن ولی مثل ۵۷ بلایی سرشون نیاد! نکته دوم اینکه در سال ۵۷ مردم سیر نبودن که با جون دل بلند شدن و کسانی که میگن مردم سیر بودن و بلند شدن هرگز اینطور نیست و مردم خواسته داشتن و الان هم خواسته دارن و به این خواسته ها باید یک نیرو و جریان محکم باشه که مردم دورش جمع بشن و مطمئن بشن که میشه بلند شد. تنها دستاوردی که انقلاب ۵۷ به مردم ایران تقدیم کرد و باید از این حکومت تشکر کرد این بود که در زمان شاه فقط یکعده بودن که سیاسی بودند آقای محترم، ولی الان یک خوشبختی که هست تمام ملت ایران سیاسیند و این یک امتیاز بسیار بزرگی هست برای نیروی بعدی که بیاد سر کار. یعنی دیگه کسی نمیتونه سر مردم کلاه بذاره و کسی نمیتونه ملت رو رنگ کنه و دیگه کسی نمیتونه از احساسات مذهبی مردم سو استفاده کنه! من نمیگم احساسات بد یا خوب، من اسم بد یا خوب نمیذارم ولی دیگه نمیتونه سوء استفاده کنه! مردم میخوان که نیرویی باشه که بهشون دروغ نگو و پنهانکاری نکنه و کانال جدید و حزب کمونیست کارگری میتونه اون نیرویی باشه که مردم رو دور یک محور مثبت بچرخونه ولی این یک شرط داره که تعدادی از شما در کنار مردم در ایران باشید که مردم رو بطور صحیح سازماندهی کنید تا قدرت سیاسی بطور صحیح تو دست مردم بیفته، تا مردم بطور واقعی به یک جهت مثبت هدایت بشن. زمان ۵۷ هم مردم میلیونی ریختن بیرون و با جون دل انقلاب کردند و مردم اصلا سیر نبودن و اصلا از سر سیری انقلاب نکردند بلکه خواسته داشتند و الان هم خواسته دارند و الان هم انقلاب میخوانند. من در سال ۵۷ کوچیک بودم و در تظاهرات شرکت میکردیم. لطفا برنامه های کودکان مقدمند و یا در باره زنان و کارگران و معلمان و غیره رو ادامه بدین و بیشتر داشته باشین. باید تعداد افراد شما در ایران بیشتر باشه. همین برنامه ها را روزهای بعد هم تکرار

کنید. پیروز باشید.  
زنی از اهواز

سلام آقا جاوید خسته نباشید. منم میخواسم نظم رو بگم. ما انقلاب کردیم و سی سال بها دادیم و باید خوشحال باشیم که مردم ما انقلاب اسلامی کردند! یعنی بر ضد اسلام چونکه اگر میلیاردها دلار خرج میکردند در دنیا نمیتونستند بفهمند که اسلام چی هست ولی سی سال بها دادیم تازه بفهمند که اسلام چیه و تازه میخوایم انقلاب فرهنگی کنیم تا آزاد بشیم و البته اول باید جمهوری اسلامی رو بنذاریم و تازه با همین فرهنگ سازی میکنید و این بسیار جالبه بخاطر اینکه ملت ایران الان آمادگی برای این انقلاب دارند چونکه سی سال بها داده اند تا این دژخیمان اسلام رو بشناسند و ما ۱۴۰۰ سال زیر یوغ دژخیمان اسلام بودیم و سی سال هم بها دادیم تا بطور پرکتیکال همه بفهمند اسلام چیه چونکه با کتاب خوندن و غیره این حاصل نمیشد و برنامه شما بسیار عالی و آموزنده است و من بسهم خودم دوستان و آشنایانی که دارم همیشه کانال شما رو معرفی میکنم چون بسیار پرشوره و واقعا بشما تبریک میگم. من در دویی با مردم در ارتباط و بسیار فعالیت اجتماعی دارم و مردم ایران در دویی این کانال رو زیاد میبینند چون بهرحال محیط اینجا فرق میکند و مردم راحت تر میتونن مسائلشون رو بگن و من حتما کمک مالی به این کانال رو در بین ایرانیان دویی پیگیری خواهم کرد.

زنی از دویی

سلام آقای کیوان جاوید. من مهمانی دارم که ۸۵ سالشونه و دو روزه خونه ما هستن. ایشون میگن من از ۱۵ سالگی چوپان بودم و تجربه چهار تا شاه رو دارم، رضا شاه و محمد رضا شاه و خمینی و خامنه ای، و میگن که من برنامه شما رو گوش میکنم میبینم توی عمرم چنین حرفهایی نشنیده ام! میگن فارسی حالم میشه ولی نمیتونم حرف بزنم بخاطر این من حرفهاشونو نوشتم و براتون میخونم.

"من حکومتی میخوام که پیرمردانی مثل من رو و پیرزنانی مثل زن من رو بازنشسته کنه و بما خورد و خوراک و آب و نان و مسکن و راحتی فراهم کنه که ۸۵ سال کار



## از صفحه ۵ صدای مردم در کانال جدید ...

کردیم، و به فرزندان ما کار بده تا مثل فرزند من که ۴۵ سالش بود ناچار نشن که عرق ریزان دنبال کار قاچاق برن و این اطلاعاتی ها هم از پشت بزندن و گردنشن را داغون کنند! من به پیروزی شما خیلی امیدوارم و ۸۵ سال دارم و از ۲۴ سالگی که برو بیایی دارم و دنیا رو میفهمم اصلا از هیچ کسی و هیچ حزبی این حرفها رو نشنیده بودم و من پیر مرد ۸۵ ساله امروز جوان شدم. من میخوام زنده بمانم و پیروزی شما رو جشن بگیرم. فرزندم من قربان شما و قربان فرزندانم مثل شمایم.

مردی از کردستان با مهمان ۸۵ ساله شان

### نقش کارگران نفت در انقلاب برنامه ای از اصغر کریمی

سلام عرض کردم آقای کریمی. همانطوری که شما گفتید برای سرنگونی جمهوری اسلامی به یک انقلاب احتیاج هست و همانطوری که اگر انقلاب نبود حکومت شاه از بین نمیرفت و گرنه همون رژیم ستم شاهی هنوز هم بود و همون ساواک و اختناق هنوز هم بود، و مردم میلیونی ریختند توی خیابون و انقلاب کردند تا شاه رفت و حکومتش تموم شد و حالا این رژیم هم درست مثل همون موقع با انقلاب مردم باید سرنگون بشه. اگر ما انقلاب نکنیم و متشکل نشیم این رژیم تا ابد خواهد بود لذا مردم باید میلیونی بریزند توی خیابون و انقلاب کنند و این رژیم رو سرنگون کنند. الان شما نگاه کنید صدای آمریکا و بی بی سی و تمامی سلطنت طلبان صحبت از این میکنند که انقلاب بد بود و بیچاره کرد ما رو و فلان کرد! و درواقع اینها میخواهند که مردم انقلاب نکنند بلکه خودشون بمک آمریکا و غرب از بالا بیان حکومت رو بدست بگیرند، و بر خلاف اینها فقط حزب کمونیست کارگری هست و آنهایی را که با این حزب هستند میخواهند که بطور متحد و سازماندهی شده و میلیونی بخابون بریزند و این رژیم رو سرنگون کنند. و تنها راهش هم همینه و اگر مردم این رژیم را برهبری این حزب سرنگون نکنند همین بی غذایی و بی بهداشتی و بی تامینی و بی مسکنی و بی سرپناهی ابدی خواهد بود. بعقیده من الان حزب کمونیست کارگری وجود دارد و مردم

باید ببینند که این حزب و کانال جدید و اتفاقا بخاطر نبود این حزب و این کانال در انقلاب ۵۷ بود که نیروهای اسلامی و خمینی و آمریکا و غیره تونستند از پشت به مردم خیانت کنند و بیایند خمینی رو بذارند جای شاه که بدتر از اون بود. من الان فکر میکنم که وظیفه همه مردم است و من خودم اینکار رو کرده ام و ۵ الی ۱۰ نفر رو دور خودم جمع کرده ام و به کانال جدید کمک کرده ایم و من فکر کنم همه میتونند اینکار رو بکنند و همه اولین کاری که باید بکنیم و میتونیم بکنیم کاری بکنیم که این کانال قطع نشه و به حزب کمونیست کارگری ببینندیم و شعار نویسی کنیم. مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد حزب کمونیست کارگری. الان نزدیک ۸ مارس هست و آزادی زن هست و باید تحت رهبری حزب کمونیست کارگری میلیونی بریزیم بخیا بون. من فکر میکنم هرکس باید دست بدست همسایه و دوست و آشنایش که از جمهوری اسلامی نفرت دارند حداقل از هزار تا ده هزار تومان بتون جمع کنند و به کانال جدید برسون. اونهایی که ضد جمهوری اسلامی هستند و اونهایی که این زندگی جهنمی رو نمیخوان و به شاه و خمینی احتیاج ندارند باید به این حزب ببینند و متشکل شوند تا از شر این رژیم راحت بشیم.

مردی از ایران

سلام آقای کریمی. من چندتا خاطره از سال ۵۷ داشتم و سعی میکنم که خیلی سریع بگم. یکی اینکه ما حضور داشتیم و در انقلاب بودیم و دیدیم که شعارهای آزادی و برابری و رفاه برای همه بود که مطرح میشد. یعنی اولین بار بود که مردم نمیتونستند بپذیرند که شاهی در قدرت باشد و حکومتش در رفاه و قدرت باشد و همه مردم در فقر و خفقان و مشکلات باشند و برای اولین بار بود که مردم امید پیدا کرده بودند که بتونند این وضع رو بهم بریزند. وقتی کارگران نفت اعتصاب کردند مردم دیدند که چه دلگرمی بوجود آمده بود و حداقل برای من اینجور بود که میدیدم کارگران نفت چقدر اهمیت داشتند و با اعتصاب اونها دیگه همه فکر میکردند که کار تموم شده و شاه رفتنیه دیگه. روز ۱۲ بهمن وقتی خمینی وارد ایران شد من داشتم از تلویزیون نگاه

میکردم و ما گریه میکردیم و فکر میکردیم که دیگه کار انقلاب تموم شد و اینها تونستند شکستش بدن و سوار انقلاب بشن! یعنی چیزی که هیچ کسی فکرش رو هم نمیکرد. من یادمه که خونه ما رو بر روی یکی از یادگانهای تهران بود و شور و شوق انقلاب هنوز ادامه داشت و بعد از ۱۲ بهمن هنوز جای امید بود و مردم اهمیتی نمیدادند و همه داشتند با کیسه های شنی سنگر بنلی میکردند و آنوقت چند تا از این حزب الهی ها را میدیدم که سراسیمه هراسان اینور و اونور میولند و میگفتند که "امام حکم جهاد نداده و نکند اینکارها رو!" و همه اش سعی داشتند که دست و پای مردم رو جمع کنند ولی مردم اصلا توجهی نمیکردند. حالا بهرحال هزار و یک جریان در این سی سال پیش اومد که صحبت کردن حول اون روزها برایشون خیلی مشکله و واقعا آنهمه کشتار و شکنجه وحشیانه ای که اصلا باور کردنی نبود و بغض سنگینی توی گلو همه کسانی هست که اون روزها رو دیده اند، ولی حالا من فکر میکنم جای امید این است که کسانی که از اون روزها مبارزه شان را ادامه دادند و به استیصال نیافتادند حزب شماسست و بهرحال تونستند از مخمصه در برید و در فرصتهایی که بوده بتونین خودتونو قوی کنید و امروز متشکل و قدرتمند در اختیار مردم باشید که من بسیار خوشحالم. امیدوارم موفق باشید و وجود حزب شما در مبارزات مردم خیلی نقش تعیین کننده دارد.

زنی از ...

سلام آقای کریمی. اگر اجازه میدین یک مطلبی که چند ماه بعد از انقلاب تو روزنامه کیهان بود براتون بخونم. در اون نوشته فرض رو بر این کرده که یک نفر در تظاهرات قبل از ۲۲ بهمن در یک حادثه ای بیهوش شده و بحالت کما رفته و چند ماه بعد از انقلاب دوباره بیهوش اومده است و نوشته را اینجور ادامه میدهد، "او دوباره بیهوش اومد و صحبتهای آقایون رو میشنوه و اولین چیزی که میگه اینه که اینها همون آدمهای قبلی اند و همون حرفهای قدیمی اند و ما نبایستی ساکت بشیم و باید به انقلاب و وضعیت انقلابیون ادامه بدیم". بنظر من ما در انقلاب ۵۷ مغلوب نقش شیخ و ملی گراها و رجال و برنامه ریزی سرمایه داری جهانی شدیم و علتش هم همانطوری که شما گفتید نبود یک جریانی

انقلابی مثل حزب شما بود که مردم رو نمایندگی کنه. و اینهم باعث شد که زیر شعار وحدت کلمه بریم و این وضعیت رو برای مردم تحمیل کنند. امیدوارم که مردم در انقلاب بعدی پخته تر حرکت کنند و تحت رهبری حزبی نظیر حزب کمونیست کارگری باشند و حرکتشون پیروز بشه.

مردی از ...

سلام آقای کریمی خسته نباشید میگم به شما و همکارانتان. با توجه به اینکه در سال ۵۷ همه کارگران در انقلاب شرکت داشتند و عموم مردم هم بخصوص کارگران شرکت نفت و کارگران چیت سازی ها برای رفاه و آسایش و برای زندگی بهتر بود که بمیدان آمدند ولی متاسفانه در آن شرایط ما حزبی مثل حزب کمونیست کارگری نداشتیم که قیام مردم رو رهبری کنیم. جریانهایی پوپولیستی و خلقی آمدند به زیر چتر خمینی و توتونستیم پیروز بشیم. و یک مسئله دیگر هم اینکه در زیر همان درخت سیب خمینی تیشه به ریشه انقلاب زد و با کنفرانس گوادولوپ دولت های غربی آمدند و پشت سر اینها ایستادند و ما کارگران و مردم از اونجایی که چنین حزبی نداشتیم توتونستیم قدرت رو بدست بگیریم. یعنی ارتجاع اسلامی با حمایت ارتجاع سرمایه داری غرب اومدند و انقلاب ما رو سرکوب کردند و جونهای ما رو صد هزار صد هزار کشتند و بردند توی گورستان خاوران چال کردند و شمره سرکوبهای سال ۶۰ رو خوردند ولی ما امروز این حزب رو داریم و من اعتقاد دارم آقای کریمی که حتی اگر فردا شما از انقلاب سوسیالیستی ما دفاع نکنید از برابری ما دفاع نکنید و از برنامه یک دنیای بهتر ما دفاع نکنید اونوقت من بعنوان یک کارگر از شما حمایت نمیکنم! همین امروز ما باید مطرح بکنیم که انقلاب ما باید انقلاب سوسیالیستی باشه و ما یک کلمه کمتر از ش کوتاه نمیاییم. حتی از دوستان سابق ما هستند که از شعار سوسیالیستی ترس دارند و یا واقعا لاپوشانی میکنند! بنظر این حزب ثابت کرده که تحلیلش در مورد جنگ اسرائیل و حماس چه بوده و تحلیلش در مورد عراق و در مورد اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه چه بوده و تحلیلش از اعتراضات دانشجویی چی بوده و این حزب همواره پشت اعتصابات دانشجویی بوده. من از عموم مردم میخواهم که از این حزب حمایت بکنند و پای

کانال جدید بنشینند و تحلیل های حزب را گوش بکنند و نه اینکه صرفا گوش بکنند بلکه بیایند تفسیر و تبلیغ بکنند و واقیتهای را بپذیرند یعنی آنچهی که برای عموم رفاه و خوشبختی عموم مردم است، و ما دیگه با وجود این حزب تجربه انقلاب ۵۷ رو نباید تکرار کنیم. اعتراضات به اندازه کافی هستش و اعتصابات هستش و کارگران معترض هستند و مردم توی خیابون معترض هستند و توی تاکسی ها اعتراضات خودشون رو میکنند ولی جای این حزب متاسفانه در بین مردم خالی هست. من از همه شما تشکر میکنم و از همه دست اندر کاران و اون رفقا تشکر میکنم. این امکانات حزب و این تلویزیون در تمام خونه های ما هستش و ما میتونیم از این امکانات استفاده کنیم و دیگه نیاز به اون نیست که در اعتراضات اعلامیه دست ما باشه و پلیس ما رو بگیره. این امکانات امروز ایجاد شده و ما از این تکنولوژی امروز میتونیم بهره بگیریم و از تئوریهای بهره بگیریم و از رهبرانی که سی سال مبارزه کردند بهره بگیریم و همواره سمت ما کارگران هستند و از حقوق ما دفاع میکنند ما باید بهشون افتخار بکنیم و بهشون کمک بکنیم و برایشون تبلیغ و ترویج بکنیم و دست همه شما رو میفشارم قربان شما.

کارگری از ایران

سلام بشما خسته نباشید. زمانی که انقلاب شد من سه چهار ساله بودم و هیچ چی نمیدونستم و افتادیم توی این بدبختی که چی میدونم هیچ نقشی توش نداشتیم و همه اش بدبختی و زجر کشیدیم و هشت سال از عمرمون توی دوران جنگی گذشت که ده سه ساله نشد و اونقدر طولش دادند که بتونند به اهدافشون برسند و بعدش هم تا حالا همه دوران عمرمون و بهترین سالهای جونمون رو در این رژیم گذروندیم و واقعا اذاب کشیدیم و الان هم فقط امیدمون بشما هست و فقط میپرسم که چرا فعالیت بیشتری نمیشه و مثلا در بین مردم اعلامیه هایی پخش بشه و بیشتر بخونن و اگر مردم بیشتر بشینند پای برنامه های شما و سیاستها و برنامه شما رو بخونند، بنظرم کسی که انسانیتی در وجودش باشه امکان نداره که جذب حزب شما نشه چونکه همه این برنامه ها و حرفهای شما از انسانیت بلند میشه. درضمن در مورد مسائل امنیتی هم چیزهایی

## روز جهانی زن را به روز اعتراض بین المللی علیه رژیم آپارتاید جنسی در ایران تبدیل کنیم!

۸ مارس روز جهانی زن در راه است. این روز، روز اعتراض بین المللی نسبت به وجود هر گونه ستم و تبعیض علیه زنان است. ستم بر زنان در ایران بیداد می کند و جمهوری اسلامی برپادارنده یک آپارتاید جنسی تمام عیار علیه زنان است. بیاید به همراه همه زنان و مردان آزادیخواه ایران روز ۸ مارس ۲۰۰۹ را به روز اعتراض گسترده علیه رژیم ضد زن جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. بیاید تا با طرح خواست طرد رژیم آپارتاید جنسی جمهوری از مجامع بین المللی، با شکوه ترین همبستگی بین المللی با مبارزات برابری طلبانه زنان ایران را به نمایش بگذاریم.

به این منظور تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران و علیه تبعیض- سازمان دفاع از حقوق زنان، به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن برنامه هایی را در کشورهای مختلف تدارک دیده است که ما همه شما را به شرکت وسیع در آنها فرا می خوانیم. لیست این برنامه ها و برخی همایش های دیگر در کشورهای مختلف بدین قرار است و در اطلاعیه های بعدی آنرا تکمیل تر خواهیم کرد.

### سوئد استکهلم

روز ۸ مارس: میتینگ اعتراضی و شرکت در راهپیمایی ۸ مارس مکان: södermalmsorg - T-slussen واقع در ساعت ۲ الی ۴ بعد از ظهر با نمایشگاه عکس و اسلاید شواز مبارزات زنان در ایران. راهپیمایی ۸ مارس ساعت ۴ بعد از ظهر.

روز ۷ مارس ساعت ۷ بعد از ظهر- مراسم و جشن ۸ مارس مکان: Årsta Folkets Hus

این مراسم شامل: سخنرانی، نمایش اسلاید در مورد حقوق زنان، شعرخوانی، رقص و تئاتر و موزیک خواهد بود.

هنچنین برپایی میز اطلاع رسانی در مرکز شهر یک هفته قبل از ۸ مارس. این برنامه با دایر کردن نمایشگاه عکس و انجام سخنرانی برای مردم رهگذر توام خواهد بود.

تلفن تماس:

۶۷۰۳۶۱۰۲۷۹

### گوتنبرگ

روز ۸ مارس: میتینگ اعتراضی و شرکت در راهپیمایی بزرگ ۸ مارس

میتینگ اعتراضی علیه رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی در محل برون پارکن، نمایشگاه عکس از وضعیت زنان در ایران و برگزاری نمایش خیابانی در باره وضعیت زنان در ایران از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر

شرکت در راهپیمایی بزرگ ۸ مارس از ساعت ۶ بعد از ظهر

تلفن تماس:

۶۷۰۳۶۱۰۲۷۹

روز ۶ مارس ساعت ۷ بعد از ظهر- مراسم و جشن ۸ مارس مکان: Wieselgrensplatsen طبقه بالای فروشگاه Coop این مراسم شامل سخنرانی مینا احدی، موزیک زنده، اسلاید شو و رقص و پایکوبی خواهد بود.

تلفن تماس:

۶۷۰۷۳۸۷۵۴۸

### مالمو

روز ۸ مارس از ساعت ۳ بعد از ظهر - شرکت در مراسم بزرگ روز جهانی زن به همراه گروه های مختلف مدافع

حقوق زنان- در این مراسم از جمله فریده آرمان درباره وضعیت زنان ایران سخنرانی خواهد داشت. ترانه خوانی سینا شهبازی، نمایش اسلاید درباره وضعیت زنان در ایران و سایر کشور های اسلام زده و برگزاری میز اطلاع رسانی درباره وضعیت زنان ایران از جمله برنامه های این مراسم خواهد بود.

مکان:

Kirsebergs fritid och kulturhus

روز ۱۴ مارس از ساعت ۶ بعد از ظهر در ادامه گرامیداشت روز جهانی زن مراسمی شامل سخنرانی فریده آرمان، موزیک زنده و جشن و پایکوبی برگزار خواهد شد.

مکان:

Jannet Kaffe, Nobelvägen 24

تلفن تماس:

۴۶۷۰۳۶۳۸۰۸۸

### هلستنگوری

برگزاری میز اطلاع رسانی، نمایشگاه عکس و برگزاری مراسم ۸ مارس با شرکت گروه های مختلف دفاع از حقوق زنان و سخنرانی غریبه حسینی.

### بوروس

برگزاری میز اطلاع رسانی و نمایشگاه عکس در مراسم ۸ مارس که با شرکت گروه های مختلف دفاع از حقوق زنان برگزار می شود.

### آلمان

#### فرانکفورت

روز ۲۸ فوریه تظاهرات علیه رژیم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی از ساعت ۲ بعد از ظهر از مرکز شهر همچنین برگزاری نمایشگاه عکس و میز اطلاع رسانی روز جمعه هر هفته از ساعت ۱۲ تا ۱۴ در

دفاع از معیشت منزلت تا دفاع از حقوق کودک در برابر جامعه قرار داده است. بنظر من احتمال پیروزی انقلابی که در ایران شکل میگیرد بسیار بیشتر از احتمال شکست آنست. چرا که حزب ما برنامه یک دنیای بهتر و شعارها و اهداف انسانی روشنی را در برابر جامعه قرار داده است و اجازه نمیدهد که نیروهای سازشکار و نیروهای ضد انقلابی انقلاب را تحریف کنند و آنرا به شکست بکشانند. هر انقلابی رنگ

سیاستها و شعارهای رهبری را بخود میگیرد و به این اعتبار انقلابی که دارد شکل میگیرد یک انقلاب ضد سرمایه داری و یک انقلاب سوسیالیستی خواهد بود. یک ویژگی دیگر شرایط حاضر قطبی شدن جامعه بین توده وسیعی از مردم و یک اقلیت ناچیز در راس قدرت است. ازینرو میتوان پیش بینی کرد که انقلاب آتی یک حرکت عظیم توده ای خواهد بود و این اعمال خشونت و سرکوب خونین انقلاب را برای رژیم بسیار دشوار خواهد کرد. انقلاب آتی

### دانشگاه

تلفن تماس:

۴۹۱۷۲۹۷۱۶۲۲۷

### کلن

روز ۷ مارس برگزاری تظاهرات در مرکز شهر که جزئیات آن بعدا به اطلاع رساننده می شود.

### برمن

روز های ۶ و ۷ مارس برپایی میز اطلاع رسانی و نمایشگاه عکس در مرکز شهر

روز ۷ مارس مراسم و جلسه سخنرانی در باره وضعیت زنان ایران

تلفن تماس:

۴۹۱۷۲۴۰۳۷۰۳۵

### برلین

روز ۸ مارس مشارکت در مراسم ۸ مارس به همراه برقراری میز اطلاع رسانی در باره شرایط زندگی و مبارزه زنان ایران، از ساعت ۱۲ تا ۱۵

تلفن تماس:

۴۹۱۷۲۴۸۶۶۳۱۷

### انگلستان

روز ۷ مارس میتینگ، تظاهرات و جلسه عمومی علیه قوانین شریعه اسلامی در بریتانیا

میتینگ از ۳/۳۰ تا ۴/۳۰ بعد از ظهر در میدان ترافالگار لندن. راهپیمایی از ساعت ۴/۳۰ تا ۵/۳۰ بعد از ظهر از میدان ترافالگار تا کانوی هال

جلسه عمومی از ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر با عنوان "قانون شریعه، آپارتاید جنسی و حقوق زنان" مکان:

25 Red Lion Square WC1R 4RL  
مریم نمازی سازمانده و سخنگوی کمپین علیه قوانین شریعه اسلامی در بریتانیا است.

### غرب کانادا

جشن و مراسم ۸ مارس زمان: شنبه ۲۸ فوریه ۲۰۰۹ ساعت ۷ عصر تا ۱۲ شب مکان: تروت لیک کامنیوتی سنتر

(شماره ۳۳۵۰ خیابان ویکتوریا درونکور)

این برنامه شامل سخنرانی، بازگویی خاطرات، نمایش فیلم، موزیک و رقص خواهد بود.

ورودی: ۱۰ دلار شاغلین، ۵ دلار غیر شاغلین

تلفن تماس: (۶۰۴-۷۲۷-۸۹۸۶)

روز ۸ مارس برپایی چادر و میز اطلاع رسانی در باره وضعیت زنان ایران به همراه نمایشگاه عکس در مقابل آرت گالری در مرکز شهر ونکور.

### شرق کانادا

روز ۷ مارس شرکت در تظاهرات ۸ مارس به همراه میز اطلاع رسانی در باره وضعیت زنان ایران

مکان: از ۲۵۲ بلور تا دانشگاه یورک روز ۱۴ مارس جلسه سخنرانی و بحث، پانل در باره "اسلام سیاسی، حقوق زنان و قوانین شریعه"

از دیگر سازماندهندگان این مراسم، آزادی زن عراق (WLI) و سازمان دفاع از سکولاریسم و حقوق مدنی در عراق، کمیته دفاع از حقوق مدنی در ایران

### فرانسه لیون

روز ۷ مارس گردمایی در میدان مرکزی شهر (bellecour) به همراه نمایشگاه عکس و میز اطلاع رسانی در باره وضعیت زنان ایران

### آمریکا دالاس

روز ۸ مارس از ساعت ۱۲ تا ۱۷ گردمایی در پارک مکان

Russell creek park \_ plano  
تلفن تماس:

۱۲۱۴۶۷۵۲۱۲۰

علیه تبعیض-

سازمان دفاع از حقوق زنان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران فوریه ۲۰۰۹

توده وسیعی را بمیدان خواهد آورد و اجازه نخواهد داد که جمهوری اسلامی و ارتجاعیون انقلاب را بخون بکشند.

انقلاب عظیمی در راه است و حزب ما با تمام توان خود به استقبال آن میرود. \*

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

مسئول صفحه بندی

انترناسیونال: آر ش ناصری

## در حاشیه رویدادها

فرشاد حسینی



## اینترنت زیر چکمه گانگسترهای اسلامی

بی خبری کشید.

این پدیده خود یکی از بلایای جان جمهوری اسلامی است. یک حکومت استبدادی مذهبی که روی خون و خفقان و زندان بنا شده است. حکومتی که در آن داشتن یا خواندن کتاب کمونیستی جرم است. سزایش زندان و شلاق و اعدام است. حکومتی که با تمام قدرت پلیسی خود تلاش میکند بر هر نوع رابطه و پروسه رشد و آگاهی و سازمانیابی کمونیستی خون پاشد. برای چنین حکومتی اینترنت و ماهواره و ماهواره سم است. ستون ها و ارکان نظامش را میبلزاند. بیخود نیست تلاش میکنند فضای اینترنت را نظامی کرده و یک نوع حکومت نظامی اینترنتی اعلام کنند. مجلس رژیم قانون مجازات رایانه ای تصویب میکند. بلافاصله دادستانی دادرسی ویژه جرائم اینترنتی ایجاد کرده و تهدید میکند که با سایتهای الحادی و غیر اخلاقی به شدت برخورد کرده و فضای اینترنت را برای فعالیت‌های ضد دینی و غیر اخلاقی نامن می‌کند. پس از این ارگانهای اجرایی سرکوب مانند ناجا وارد

دنیای امروز هر چه بیشتر سدها و موانع تبادل آزاد اندیشه‌ها را در هم می‌شکند و جامعه بشری را بهم نزدیکتر می‌سازد. دنیای امروز، دنیای انفجار عظیم اطلاعاتی و ارتباطی، دنیای اینترنت، ماهواره، موبایل و اس ام اس است. یکی از خاصیت‌های مهم این تکنولوژی مدرن، شکستن دیوارهای پولادین سانسور است. رسانه های رسمی دولتی دیگر تنها رسانه های ارتباطی با میلیونها انسان نیستند. افکار و احساسات و عواطف انسانها منابع تغذیه دیگری پیدا میکنند. منابعی که به یمن این انقلاب عظیم انفورماتیکی از حیطة انحصار رسانه های غالب و رسمی دولتی خارج شده و در پهنای اینترنت پخش میشوند. دنیا را نمیتوان از هم جدا کرد و بر سر هر قسمتی چادر سیاه سانسور و

## از صفحه ۶ صدای مردم در کانال جدید ...

هست که شما باید به ما یاد بدید.  
زنی از خوزستان

الو سلام آقای کریمی و از برنامه هاتون واقعا تشکر میکنیم. آقای کریمی اگر کسی درآمدی نداشته باشه و شوهری نداشته باشه که کار کنه باید توی این مملکت چکار کنه؟ من که زن هستم و تنها زندگی میکنم و با صد و هشتاد هزار تومان کرایه و با پنج میلیون پیش اصلا با مشکل دارم زندگی میکنم! آقای احمدی نژاد وقتی میخواست رئیس جمهور بشه گفت که بباد مردم میرسم ولی بباد مردم که نرسید هیچ تازه این ملت رو بدبخت تر هم کرد! شاید فقط شما بتونید کاری برای ماها بکنید. من میخوام عضو این حزب بشم چکار باید بکنم؟  
زنی عضو جدید از ایران

## در سی سالی که گذشت برنامه ای از اصغر کریمی

درد بر شما آقای کریمی. دلایل شکستن انقلاب ۵۷ رو آقای حمید تقوایی دقیقا اشاره نمودند اما منم چند نکته اضافه میکنم که خمینی در سال ۵۷ از شعارهای چپ مانند "کار، مسکن، آزادی" میترسید و نمیتوانست روبروی کمونیستها مبارزه بکند. آمدند طرح برنامه تلویزیونی وجود خدا با چپی ها پخش کردند و چون اکثریت مردم به خدا ایمان داشتند توانستند در میان مردم موفقیت کمونیستها را تضعیف بکنند و بعد از آن توانستند کمونیستها را قتل عام بکنند! اما یک سوال آقای کریمی من متاسفم در حالی که اکثریت مردم ایران ترک زبان هستند چرا برنامه تلویزیونی بزبان ترکی را قطع کرده اید؟ امیدوارم

میشود. رئیس پلیس امنیت اخلاقی ناجا اعلام میکند "برخورد با متخلفان اینترنتی در دستور برنامه‌آینده ناجا قرار دارد و با متخلفان وبلاگها که اقدام به انتشار مضامین ممنوع می‌کند، به شدت برخورد قانونی می‌کنیم." او می‌افزاید: "سایت‌های ممنوعه" شناسایی شدند، استفاده غیرمجاز از سایتهایی که در حوزه کاری ماست و دستگیری هم داشته‌ایم و به مقامات قضایی معرفی شده‌اند."

سابقه پلیسی کردن فضای اینترنت البته به دوران حجت الاسلام "مدرن و مداراگر" رژیم اسلامی یعنی خاتمی برمیگردد. در ابتدا اعلام شد که سایتهای مستهجن و خلاف اخلاق و سایتهای مخالفان جمهوری اسلامی فیلتر می‌شوند. ولی رفته رفته دایره فیلترینگ گسترش یافت و بسیاری از وبسایتها و وبلاگهایی که موضعی انتقادی نسبت به برخی سیاستهای دولت داشتند نیز به این دایره افزوده شد. مشاور قضائی دادستان کل کشور از فیلتر شدن بیش از پنج میلیون سایت اینترنتی خبر داد. دفتر سیاسی سپاه پاسداران در گزارشی با ابراز نگرانی از آنچه امپریالیسم اینترنتی نامید نسبت به انقلاب مخملی اینترنتی هشدار داد و ادعا کرد که رسانه های اینترنتی در داخل و خارج از کشور

مجددا پخش بفرمایید. زنده باد آزادی و برابری. درود بر کمونیست کارگری  
مردی از ایران

سلام آقای کریمی خسته نباشید. من همان دوست مرد ۸۵ ساله ام که دیروز صحبت کردم. ایشان ماهی صد و شصت هزار تومان حقوق دارد و تقریباً پنجاه دلار برای شما در نظر گرفته که پیش مننه و من در اسرع وقت براتون ارسال میکنم. در ضمن زن ایشان از خودش هم پنج سال بزرگتره و فشارش بالاست و زمانی که آقای حمید تقوایی صحبت میکردند من سه چهار بار زنگ زدم موفق نشدم تماس بگیرم و ما بردیم بیمارستان. صحبت‌های آقای تقوایی را حالیشون کردم و ایشان بقدری خوشحال شد که صورتش گل انداخت. این دوستان ما زن و شوهر برای شما و حمید تقوایی و همه کارکنان تلویزیون سلام و آرزوی موفقیت داشتند و رفتند

قصد براندازی نرم جمهوری اسلامی را دارند.

از سوی دیگر رژیم دست به دامن بسیج و طلبه های حوزه علمیه (که به تازگی درس کامپیوتر و اینترنت را نیز آموزش می‌بینند) میشود. مجتبی موسیوند یکی از مقامات نیروی مقاومت بسیج اعلام کرد که برای مبارزه با انقلاب مخملی در ایران، ۱۰ هزار وبلاگ برای ۱۰ هزار پایگاه بسیج در کشور راه اندازی می‌شود. وی ادامه میدهد که برای راه اندازی این وبلاگها، دوهزار طلبه وبلاگنویس از حوزههای علمیه در این طرح شرکت می‌کنند. اما جمهوری اسلامی به فیلترینگ و ممنوع کردن وب سایت ها قانع نشده و اقدام به دستگیری وبلاگ نویسان منتقد رژیم کرد.

همه این اقدامات به این منظور انجام میشود که در فضای اینترنتی یک نوع حکومت نظامی ایجاد کنند. می‌خواهند با زور مسلسل و اوراد طلبه ها فضای اینترنت را در تسخیر خود و زیر چکمه های خونین و ارتجاعی بکشند. می‌خواهند با این قشون کشتی های دیوانه وار، حکومت سنگسار و اعدام و فلاکت را بر کرده نسلی سوار کنند که در ضدیت و ستیز با مذهب و شرقزدگی و عقب ماندگی و استبداد و بی حقوقی پرورش یافته است. نسلی که در

بیمارستان و من هم تازه از بیمارستان برگشتم. من خودم هم معلم بازنشسته ام و بیشتر دوستان من چوپان و گاوپران و ضعفا و فقرا و اینها هستند. این مرد ۸۵ ساله بقدری برنامه های شما رو پسندیده و بقدری از حرفاتون خوشش آمده که میگه که من عین حزب هستم و حزب عین من هست! کاش فیلم برداری میکردم و چهره اش رو میدیدید. میگفتند که در انقلاب روشن دل بودم و امیلوار بودم که ما فقرا به نوایی میرسیم اما بدبختانه اینطور نشد. من از شما تقاضایی دارم که ۴۸ ساعت اسم برنامه کانال جدید را باسم چوپان ما بذارید.

مردی از آذربایجان غربی  
الو سلام. من میخوامم عضو حزب بشم و خانم شهلا دانشفر میگفتند که باید شماره ام رو بدم و حالا میخوامم شماره منو یادداشت

خیابانها پاسخ نه خود را محکم داده است. اگر صدها و هزاران طرح امنیتی و اخلاقی و سیاسی و اجتماعی توانست برای لحظه ای شعور عمومی جامعه و عطش سیری ناپذیر مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی را کاهش دهد، اینگونه قشون کشتی های نظامی نیز میتواند به دردمان بخورد. اما تجربه ۳۰ ساله حکومت اسلامی ثابت کرده که گسترش بساط سرکوب هیچگاه امنیت دائمی برای آنها ایجاد نکرده. کسانی که در خیابانها و زیر برق مسلسلهای نیروهای انتظامی با پرچم سرخ زنده باد سوسیالیسم اعتراض میکنند، زنانیکه علیرغم شدید ترین و خشن ترین برخوردهای پلیسی زیر بار مقنعه و چادر و روسری اسلامی نمیروند، نسلی که خود را شهروند دنیا میدانند را نمیتوان با قوانین مجازات رایانه ای و فیلترینگ و بگیر و بسند مرعوب کرد. نمیتوان جمهوری اسلامی را به نسلی که دیگر چشمش به قرن ۲۱ باز شده و زندگی خود را با مردم پیشرفته ترین جوامع موجود دنیا مقایسه میکنند، تحمیل کرد. تکنولوژی + کمونیسم + حزبیت، بلای نفس گیر آسمانی است که مدام بر سر جمهوری اسلامی نازل میشود تا جانش را برای همیشه بگیرد.\*

کنید.  
زنی از ایران

سلام. من از کردستان زنگ میزنم. احمدی نژاد چهار سال پیش که میخواستند رئیس جمهور بشن اومدند به شهر ما گفتند که اگر بمن رای بدید به شهر شما هم آب و هم گاز میدیم! ولی هنوز هیچکدام از اینها رو ندادند! سه چهار روز پیش هم اومد گفت بازهم همان آب و گاز رو مطرح کرده و الان هم ما سه هزار خانوار هستیم ولی نه آب و نه گاز داریم! دیروز هم یکی از این آخوندها يك نامه فرستاده در خونه ما و ما که خانواده هشت نفره هستیم در نامه نوشتن که به هر کدام شماها ... (قطع شد). \*

مرد جوانی از کردستان

این مطلب را ناصر احمدی  
پیاده و تایپ کرده است.

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.